

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حقیقت حجاب در شریعت مقدس اسلام

مدخل

خداوند متعال، شارعی حکیم است که صدور لغو یا فعل غیر حکیمانه از جانب او امری مستحیل است. خطابات شرعی، موافق اعلیٰ درجات مقامات فصاحت و بلاغت، موجدِ ظواهر و بطونی است. طلب مولا از مکلفین، درایت در معانی مراد او بقدر ما آتاهم من العقول است؛ چنانچه در صحیحہ منقول از حضرت باقر علم النیین علیه السلام آمده است:

«اعْرِفْ مَنَازِلَ الشَّيْخَةِ عَلَى قَدْرِ رَوَايَتِهِمْ وَمَعْرِفَتِهِمْ فَإِنَّ الْمَعْرِفَةَ هِيَ الدَّرَايَةُ لِلرَّوَايَةِ وَبِالدَّرَايَاتِ لِلرَّوَايَاتِ يَعْلُو الْمُؤْمِنُ إِلَى أَفْصَى دَرَجَاتِ الْإِيمَانِ...»^۱

وفق تصریح حضرت باقرالعلوم علیه السلام، معرفت یا شناخت یک شیء عبارتست از درایت در آن. و مراد از درایت در معانی مراد شارع مقدس، ایصال به بطون و حقائق مراد اوست نه اکتفا به ظواهر. و به تصریح نصوص، معرفت که درایت و فهم معاریض قول است، مقدمه عبودیت و اطاعت می باشد.^۲ بنابراین با انتفای درایت در قول مولا، عبودیت و اطاعت نیز منتفی خواهد شد.

منتج از مقدمات مذکور بیان این مطلب است که در مذاقه هر یک از الفاظ شریعت، علاوه بر ظواهر، لزوماً باید به معانی و حقائق مراد شارع نیز پرداخت تا درایت در قول مولا و در نتیجه اطاعت از او امر او برای مکلفین حاصل شود.

^۱. الأصول الستة عشر (ط - دار الشبستری)، المتن، ص ۴

^۲. مانند خبری از امام صادق علیه السلام: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَفْضَلِ مَا يَتَّقَرَّبُ بِهِ الْعِبَادُ إِلَى رَبِّهِمْ وَأَحَبُّ ذَلِكَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا هُوَ فَقَالَ مَا أَعْلَمُ شَيْئًا بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ الصَّلَاةِ.

بنابراین در گام نخست این پژوهش برای تحقق غرض منظور، در الفاظ مدنظر، به درایت در معانی مراد شارع مقدس خواهیم پرداخت.

حجاب

حجاب در لغت به حائل بین شیئین؛ حاجز و مانع از تلاقی شیئین؛ آنچه مانع از دسترسی و وصول شیء به وراء حجاب شود، و نیز به آنچه پنهان است و در جوف و بطن می باشد، تعبیر شده است. این معنا اطلاق دارد و شمول آن هم ناظر به بعد مادی و هم بعد معنوی می باشد.

لذا به بواب از باب منع دخول، حاجب و به ستر، از باب منع مشاهده، «حجاب» گفته می شود.

بنابراین در جمع بندی معنانشناسی لغوی حجاب می توان گفت، حجاب عبارتست از «حائلی که مانع دخول اُغیار به حریم یک شیء می شود».^۳

در حضرت قرآن^۴ نیز بنا به تفاسیر وارده و روایات مفسره، حجاب، حائلی می باشد که مانع ورود ظلمت و مظاهر آن به حریم نور و معرفت می شود.

۳. مجمع البحرین، ج ۲، ص ۳۴؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، ص ۱۶۷؛ مفردات ألفاظ القرآن، ص ۲۱۹؛ قاموس قرآن، ج ۲، ص ۱۰۴؛ المصباح المنیر فی

غریب الشرح الکبیر، ج ۲، ص ۱۲۱؛ لسان العرب، ج ۱، ص ۲۹۸

۴. این ماده هشت بار در حضرت قرآن استعمال شده است.

چنانچه در سوره مبارکه اعراف، آیه ۴۶ آمده است:

«وَيُنْهَىٰ حِجَابٌ وَعَلَىٰ الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كَلًّا بِسِيمَاهُمْ وَنَارُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ»؛

و میان آن دو [گروه بهشتیان و دوزخیان] حجاب یا حائلی است

حجاب در این کریمه شریفه دلالت بر حائل میان بهشتیان و جهنمیان دارد، به گونه ای که آن حجاب مانع دخول جهنمیان به حریم بهشتیان می شود.^۵

یا در سوره مبارکه اسراء، آیه ۴۵ که می فرماید:

«وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا»؛

و چون قرآن تلاوت کنی، میان تو و آنها که به قیامت ایمان ندارند حجابی بداریم که آنها از فهم حقایق آن دور و مستور مانند.

وفق روایات مفسره، حجاب در این شریفه ناظر بر بعد معنوی و مراد از آن حائلی است که میان مومنین و کافرین قرارداد شده، به گونه ای که این حجاب مستور، مانع دخول کفار به حریم معرفت حضرت قرآن می شود.^۶

^۵ . المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۱۲۲

^۶ . مراجعه شود به: بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۳۲ و ج ۹۱، ص ۳۳۰؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۱۱۳

و نیز در سوره مبارکه مریم، آیه ۶۷ می فرماید:

«فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا»؛

و میان خود و آنان حجابی افکند (تا خلوتگاهش از هر نظر برای عبادت آماده باشد) ...

مراد از حجاب در این کریمه، قرار گرفتن حضرت مریم در جوف یا حریم مستوری بوده، چنانچه آمده است که آن حضرت برای انقطاع از ماسوی، اعتکاف کرده و میان خود و اُغیار حائلی افکنده بود تا قلب خویش را برای حظّ از نورانیت عبادت فارغ سازد.^۷

در سوره مبارکه مطففین، آیه ۱۵ آمده است:

«كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ»؛

چنین نیست که آنان می پندارند، بلکه اینان در آن هنگام از پروردگارشان محجوب اند.

از حجاب در این کریمه به صیغه مفعول (محجوب) تعبیر شده و لذا اسناد به عباد دارد؛ به این معنا که آن حجاب به سبب خود و اعمالشان ایجاد شده است؛ «فهم المحجوبون عن الله المتعال و المحرومون عن لذة المناجاة»^۸.

نیز براساس روایات مفسره مانند حدیث مبارک رضوی «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَا يُوصَفُ بِمَكَانٍ يَحُلُّ فِيهِ فَيُحْجَبَ عَنْهُ فِيهِ عِبَادُهُ وَ لَكِنَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَعْنِي أَنَّهُمْ عَنْ ثَوَابِ رَبِّهِمْ مَحْجُوبُونَ»^۹، بدست می آید که حجاب در این شریفه در بعد معنوی بکار رفته است؛ زیرا خداوند تبارک و تعالی به مکان توصیف نمی

^۷ . الميزان في تفسير القرآن، ج ۱۴، ص ۳۵

^۸ . التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۲، ص ۱۶۸

^۹ . معاني الأخبار، النص، ص ۱۳

شود تا به خطا تصور شود که منظور اینست که خداوند متعال در جایی قرار می‌گیرد که بندگانش قادر به دیدن او نیستند، بلکه مراد آنست که بین خداوند تبارک و تعالی و عباد به سبب اعمال شان، حائل و حجابی از باب منع ورود آنان به حریم قدسی و رحمت واسعه الهی قرار داده می‌شود.

و مانند آن در آیات دیگر از سُور مبارکات : صاد، ۳۲؛ فصلت، ۵؛ و شوری، ۵۱ که فی الجمله بر مضامین مشابه دلالت دارند.

اما آخرین مبارکه ای که به سبب صراحتِ دلالت آن در ما نحن فیه، به بررسی آن می‌پردازیم و در آینده به نحو تفصیلی آنرا مورد مذاقه قرار خواهیم داد، عبارتست از آیه ۵۳ سوره مبارکه احزاب که در آن می‌فرماید:

«وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَنَلُوهُنَّ مِنْ وَرَائِهِنَّ حِجَابًا ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ»؛

و هر گاه از آنان (زنان) متاعی می‌طلبید (که اشاره بر مراجعه به هنگام ضرورت و احتیاج دارد)، از وراء حجاب طلبید، زیرا که این برای طهارت بیشتر قلوب شما و آنها بهتر است.

حجاب در این کریمه، دلالت بر حریم مستوری دارد که برای نساء لحاظ شده است.

توضیح مطلب اینکه با توجه به قراین موجود در کریمه بدست می‌آید که اولاً در کریمه بنوعی به مراتب حجاب نساء تصریح شده و مراد از آن در اینجا، صرف لباس یا پوشش ظاهری نساء و به بیان دیگر حائلی که مانع مشاهده عیون شود، نیست، بلکه لحاظ حریمی مستور برای نساء در برابر رجال است.

همانطور که در نصّ شریفه ملاحظه می شود، تعبیر بکار رفته «وراء حجاب» است. «وراء» از ألفاظ اضداد و مستعمل در دو معنای (امام و خلف) می باشد^{۱۰}، و مصدر ظرفیه ای می باشد که دلالت بر إحاطه شیء از جمیع جهات و مستور ماندن آن می کند. بنابراین بکاربردن وراء قبل از حجاب دلالت تأکیدی بر مستور ماندن نساء و در جوف و بطن ماندن آنان دارد.

ضمن اینکه باتوجه به اشاره تعلیلی^{۱۱} این لفظ، می توان به وجود رابطه علیّت در حکم دریافت؛ چون تعبیر وراء، اشاره به مسأله علت و معلول دارد؛ مانند اینکه ذیل مبارکه «إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذُرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا» گفته شده است: وراء أعمال سوء، يوم ثقیل یا عذاب مهین است. لذا استعمال این لفظ در کریمه، قرینه ای بر وجود رابطه علیت در آیه مبارکه می باشد.

در اینجا نیز عبارت «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» در مقام بیان علت برای حکم می باشد. از اینکه علت در هیئت أفعال تفضیل (أطهر) بکار رفته، بدست می آید که مولا در مقام بیان مراتب حجاب می باشد، زیرا وجه اصلی استعمال این هیئت، بیان قابلیت تفاضل و ذات مراتب است.

پس حجاب و وراء حجاب در أصل صفت که طهر باشد، مشترکند، منتهی هر چه مکلفی به أعلى مراتب حجاب و مستور بودن أقرب شود، آن أطهر لقلوب خواهد بود.

۱۰. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۵۰؛ مفردات ألفاظ القرآن، ص ۸۳۶

۱۱. چون تعبیر وراء، اشاره به مسأله علت و معلول دارد؛

مانند اینکه ذیل مبارکه «إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذُرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا» گفته شده است: وراء أعمال سوء، عذاب مهین و جهنم است.

پس از علل تشریح حجاب، «طهارت قلوب» است؛ طهارت، علت و حجاب، معلول و ثمره طهارت قلب می باشد.

«طهارت قلبی» اشاره به بطن و حقیقت طهارت دارد، از آنجا که میان علت و معلول، اصل سنخیت حاکم است، لذا همانطور که در علت، به بطن و حقیقت اشاره شده، در معلول نیز نمی توان به صرف ظاهر معنا اکتفا کرد، بلکه باید به درایت و تدبّر در بطن و حقیقت معنای آن پرداخت. به این ترتیب بار دیگر در اینجا نیز احراز می شود که مراد شارع مقدس از حجاب، صرف ستر و پوشش ظاهری نیست، بلکه حقیقت حجاب اعم از آن پوشش ظاهر است و به تأیید أدله دیگر وسعت معنای حجاب احراز می شود.

امیرالمومنین علی علیه السلام در کلام نورانی خویش فرموده اند: «قُلُوبُ الْعِبَادِ الطَّاهِرَةِ مَوَاضِعُ نَظَرِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ فَمَنْ طَهَّرَ قَلْبَهُ نَظَرَ إِلَيْهِ»^{۱۲}؛ قلوب طاهر عباد، مواضع نظر خداوند سبحان است، پس هر که قلبش را پاک کند، خداوند متعال بر آن نظر می کند. پس طهارت، مقدمه حقیقة العبودية است، چون قلب طاهر می تواند موضع نظر و مخاطب کلام الهی قرار بگیرد. به همین سبب در این کلام الهی، طهارت قلب، به عنوان علت حجاب مطرح شده است.

علت حکم آن است که وجود و عدم حکم منوط بدان می باشد، لذا هرگاه طهارت قلبی برای مکلفی حاصل شد، آن حجاب مرضی عند المولی برای مکلف محقق می شود. البته که اشاره شد، طهارت ذو مراتب است و با امتثال امر مولا، مکلف می تواند به درجات افضل طهارت نائل شود.

^{۱۲}. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۰۱

بنابراین حجاب، حریم ورود نور عبودیت و ایمان برای نساء است؛ زیرا حجاب حائلی است که مانع دخول اُغیار و ارجاس به حریم نساء می شود؛ به همین سبب است که اقتصار حجاب به ستر ظاهر، کفایت از اراده شارع نمی کند، بلکه حجاب حقیقتی بسیط دارد که مشتمل بر مضامین و مکارمی چون حیا، عفت، عصمت، حکمت، عزت، کرامت و در حصن قرار گرفتن می شود، بلکه با تحقق این مکارم است که آن حجاب در مراد شارع مقدس برای مکلف محقق می شود.

و مؤید بر این مطلب، مضاف بر بررسی معنایی که در این فصل انجام شد، أدله و أخبار متکثره ای است که در فصول آتی آنرا مورد مذاقه قرار خواهیم داد.

وَصَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ